

## بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

حسین بهروان (نویسنده اصلی)  
اعظم علیزاده

### چکیده

این پژوهش به بررسی میزان فردگرایی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۵ و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. برای تحلیل فردگرایی از نظریات جامعه‌شناسی ماکس وبر، دورکیم، هابرماس، زیمل، ریسمن، مرتن و مید استفاده شده است، روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایش و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه استاندارد می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل رگرسیون دو متغیره، رگرسیون چند متغیره و آنالیز واریانس متناسب با فرضیات تحقیق استفاده شده است. نتایج این تحقیق که از یک نمونه ۳۰۰ نفری، به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای، چندمرحله‌ای، تصادفی، قشربندی نامتناه سب و از طریق فرمول کوکران از جامعه آماری ۱۸۱۵۲ نفری دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به دست آمده است. فردگرایی کلی دانشجویان در یک طیف ۵ نمره‌ای معادل ۳/۴ است که میانگین فردگرایی متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود. نتایج تحلیل دو متغیره نیز نشان داد که متغیرهای تعدد نقش، خلوت شخصی و شبکه روابط اجتماعی تأثیر مثبت بر فردگرایی و سنت‌گرایی تأثیر منفی داشته است. مرد بودن و سکونت در شهر بر میزان فردگرایی تأثیر مثبت داشت و کسانی که در رشته الهیات تحصیل می‌کنند فردگرایی کمتری داشتند. نتایج تحلیل چند متغیره و تحلیل مسیر نشان داد که متغیرهای مستقل خلوت شخصی (به میزان ۰/۳۶۴)، سنت‌گرایی (به میزان ۰/۲۸۹-)، جنسیت (نوع مرد ۰/۱۰۳)، محل دایم زندگی (زندگی در شهر ۰/۱۲۲)، مجموعه نقش (به میزان ۰/۱۸۱) و رشته تحصیلی (الهیات ۰/۱۴۶-) به عنوان متغیرهای مؤثر بر متغیر فردگرایی ظاهر شده‌اند. نتایج تحلیل مفهوم فردگرایی رادر سه عامل استقلال، اهداف شخصی و رقابت دسته‌بندی کرد که با تحقیقات قبلی هم‌خوانی دارد.

**کلید واژه‌ها:** فردگرایی<sup>(۱)</sup>، سنت‌گرایی<sup>(۲)</sup>، تعدد نقش<sup>(۳)</sup>، خلوت شخصی، شبکه روابط اجتماعی.

1 - Individualism

2 - Traditionalism

3 - Role set

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۲۶-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۲/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۴/۲۴

### بیان مسأله

مفهوم جهانی شدن که کمتر از ده سال است رواج بسیار زیادی یافته است، در معانی متفاوتی بیان و ارایه شده است که رایج‌ترین آن‌ها گسترش بی سابقه الگوهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای صنعتی پیش‌رفته در کل جهان است. از جمله این الگوها، الگوی فردگرایی است. معنای انسان فردگرا در یک چرخه تاریخی شکل گرفت، بدین گونه که در تغییر شکل از جهان قرون وسطی به جهان مدرن مفهوم خاصی از فرد پدید آمد که در عمل با ویژگی‌هایی چون افزایش عقلانیت، مهارت، تلاش‌های حساب شده و آگاهانه برای بهبود شرایط بشر، ثبات و اطمینان همگانی در ایمان به طبیعت بشر، که در هر جایی و هر زمانی منحصر به فرد است همراه بود. در واقع توسعه عناصر فردگرایی<sup>(۱)</sup> از رنسانس به بعد دیده می‌شود.

در واقع فردگرایی تولید فرهنگی غرب است. در نظم جدید، در مقایسه با شکل قبل آن، روابط اجتماعی به صورت قراردادی هستند و بیشتر روابط مبتنی بر دستاوردهای افرادند تا انتسابات آن‌ها. فردگرایی بر این نکته تأکید می‌کند که فرد در خور توجه بسیار است و هنگامی که هر یک از افراد جامعه بتوانند نیاز خود به خلاقیت و مطرح شدن در عرصه‌ای از عرصه‌های گوناگون فعالیت بشری را ارضاء نمایند، جامعه نیز از آن سود خواهد برد (احمدی، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹). فردگرایی ویژگی جامعه در حال گذر از سنتی به صنعتی می‌باشد (ریسمن<sup>(۲)</sup>، ۱۹۵۶). از آنجا که جامعه ما، یک جامعه در حال گذر و در حال تغییر از جامعه سنتی می‌باشد الگوهای استناد در جامعه ما نیز، که در ابتدا الگوهای محلی و بومی بودند و اساس رفتارها را تشکیل می‌دادند، در ترکیب خود با الگوهای جدید، دچار دگرگونی شده‌اند (فکوهی، ۱۳۸۱). امروزه نوسازی اجتماعی به عنوان یک رویکرد در زمینه توسعه مطرح می‌باشد که در طی آن تنگناها و محدودیت‌های جامعه سنتی از میان برداشته می‌شود و در جامعه شاهد رشد و توسعه شاخص‌هایی چون شهرنشینی، باسوادی، صنعتی شدن، عقلایی ساختن سازمان‌های اجتماعی، اکتسابی شدن موقعیت‌ها و سایر موارد هستیم که همگی زمینه ساز بروز فردگرایی هستند (از کیا، ۱۳۸۱: ۲۴). گرچه در سطح کلان اجتماعی بسترهای زیادی در حال توسعه‌اند ولی بسترهایی چون جمعیت، شهرنشینی و آموزش و پرورش بسترهای عام‌تری هستند که در همه جوامع در حال توسعه یافت می‌شوند (از کیا، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۱).

1 - Individualism

2 - Riesman

ایران جامعه ای در حال گذار از سنتی به سمت صنعتی شدن است. در چنین جامعه ای فروپاشی ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری و روستایی و گسترش شهرنشینی که ناشی از رشد سریع جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرها می باشد، گسترش تحرکات و تعاملات بین فرهنگها و اقوام متفاوت را تشدید نموده است و مردم به ویژه جوانان را در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارض قرار داده و به دنبال آن در خصایص افراد تغییراتی ایجاد شده که یکی از آنها، پشت سر گذاردن خصوصیات سنتی و تحقق فردگرایی افراد می باشد. در جریان فردگرایی، استقلال فردی و مسئولیت پذیری افزایش یافته و در جهت تأمین منافع فردی و جمعی به صورت خلاق و سازنده حرکت می نماید.

جامعه ایران که جزء کشورهای در حال توسعه شناخته شده است، از تغییرات در الگوهای اجتماعی، فرهنگی بی نصیب نمانده و در ۵۰ سال گذشته دست خوش تغییرات شدید جمعیتی، شهرنشینی و آموزشی بوده است. از جمله اینکه در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۷۵ جمعیت کشور ۳۱۶٪ و جمعیت شهری آن ۶۱۸٪ افزایش داشته است، در همین دوره تعداد خانوارهای شهری ۶۲۹/۷ درصد فزونی یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷). رشد سریع جمعیت که با عمومیت یافتن آموزش ابتدایی و متوسطه در قشرهای مختلف اجتماع همراه بوده، سبب افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی شده است. چنان که سهم جمعیت در حال تحصیل در مقاطع عالی از ۱/۶۱ در سال ۱۳۶۵ به ۲۱۰/۵۶ در سال ۱۳۷۵ رسیده است. با وجود چنین تغییراتی به نظر می رسد که تغییرات الگوهای اجتماعی و فرهنگی اجتناب ناپذیر است، و آن طور که دلنتی<sup>(۱)</sup> معتقد است دانشگاه معبدی برای تبلیغ فرقه ای خاص نیست بلکه وظیفه آن ایجاد فضایی امن و آزاد برای بروز ایده ها، خلاقیت ها و دانش هاست. او معتقد است که دانشگاه دیگر صرفاً تولیدکننده دانش ابزاری و فنی نیست بلکه پاره ای از جامعه مدنی است که منابع و هدف های غایی آن نه فرهنگ ملی و نه ایدئولوژی نخبگان، بلکه خواسته های همه مردم است. دانشگاه دیگر تنها محل علم نیست بلکه پایگاهی برای فرهنگ نیز شده است (فاضلی، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴).

با توجه به این مطالب، محیط های دانشگاهی به عنوان بسترهایی تلقی شده اند که زمینه ساز فردگرایی در مقیاس های گسترده تر یعنی در فضای عمومی هستند و آنچه به طور آشکار از آموزش عالی انتظار می رود تعلیم و تربیت، رشد قوه فهم و تعقل و پرورش تفکر، اشاعه علم و ترغیب افراد به پژوهش و رشد قدرت ابداع و

ابتکار و تأکید بر فراهم سازی زمینه استقلال است. (توسلی، ۱۳۸۰: ۲۵۴). به نظر می رسد شواهد کلی در جامعه ما بسترهای رشد فرد گرایی را نشان می دهد لیکن از میزان رشد فرد گرایی و عوامل تأثیر گذار بر آن به ویژه در میان جوانان، شواهد علمی زیادی در دست نداریم. لذا در این مقاله به پرسش های زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- میزان فرد گرایی در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد چقدر است؟
- ۲- عوامل مؤثر بر پدیده فرد گرایی در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد کدام می باشند؟

### اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به مطالب بالا و رشد جمعیت دانشجویی در کشور از یک سو و افزایش تعاملات جوانان در محیط های علمی از سوی دیگر و سرانجام نفوذ روز افزون رسانه ها و تأثیر پذیری از فرهنگ های گوناگون توسط جوانان و تأثیر آن ها بر فرد گرایی، بررسی فرد گرایی میان دانشجویان دارای اهمیت است. نکته دیگر این که فرد گرایی بیشتر به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته لیکن به عنوان متغیر وابسته کمتر بررسی شده است. و بالاخره، فرد گرایی با توجه به اینکه از فرهنگ غرب سرچشمه گرفته، غالباً از دیدگاه منفی ارزیابی شده است در حالی که در کشورهای توسعه یافته عامل توسعه شناخته شده لذا می توان از جنبه های کارکردی و مثبت نیز به آن نگریست. وابستگی جوانان ایرانی به حمایت خانواده حتی پس از جدایی مکانی، حاکی از نداشتن استقلال و خودمختاری و تلاش در جهت دست یابی به اهداف شخصی است. لذا ورود به دانشگاه بستر رشد فرد گرایی و استقلال فردی را فراهم می سازد که بررسی میزان آن ضروری به نظر می رسد.

### چهارچوب نظری

در تحلیل فرد گرایی، با دیدگاه های نظری و منابع تجربی عدیده ای سرو کار داریم. دیدگاه های مورد استفاده در این تحقیق را می توان به دو دسته خرد و کلان تقسیم نمود:

### فرد گرایی در دیدگاه های نظری سطح کلان

نظریه پردازان کلان نگر از جمله دورکیم، وبر، زیمل، ریسمن و دانیل لرنر معتقد به عوامل ساختاری و کلان مؤثر بر فرد گرایی هستند. همه این نظریه پردازان در بررسی و تحلیل مفهوم فرد گرایی، مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته اند.

دانیل لرنر رشد مراکز شهری جدید را به عنوان عامل ترقی و تقویت کننده احساس فردگرایی می‌داند. او استدلال می‌کند که شهرنشینی موجب افزایش روشن بینی و ارتقای «تحرک روانی»<sup>(۱)</sup> شده و موجبات کسب «وجه نظرهای»<sup>(۲)</sup> جدید را فراهم می‌کند (ازکیا، ۱۳۸۴: ۵۴). در اندیشه وبر نیز شهر از دوران قرون وسطی به بعد مرکز توسعه فردگرایی است. از نظر وبر، فردگرایی از بسیاری جهات با تخصصی شدن محیط شهری گسترش می‌یابد، در واقع فردگرایی خصلت ویژه شهر است. در زندگی اجتماعی شهری، وقت شناسی، حساب‌گری و دقیق بودن لازمه زندگی پیچیده است (کوزر، ۱۳۷۹). وبر معتقد است که عقلانی شدن جهان نتیجه توسعه یافتگی و صنعتی شدن است و آن را همراه با افزایش فردگرایی می‌داند (وبر، ۱۳۷۰: ۵). در واقع جوامع صنعتی مدرن با ساختاری اجتماعی که روز به روز پیچیده تر می‌شود با تقسیم دقیق کار تعریف می‌شوند. جوامع صنعتی تخصصی کردن و تقسیم بندی دقیق کار را ضروری می‌سازند، و به همراه آن وابستگی متقابل فزاینده ای پدیدار می‌گردد. این وابستگی متقابل جدید، که ویژگی روابط اجتماعی است، دقیقاً کیفیت جوامع صنعتی است که اساس همبستگی ارگانیک را ایجاد می‌کند. تفاوت در کارکردهای اعضای هر جامعه تفاوت های فردی را به وجود می‌آورد و بدین سان، انگیزه رشد فردگرایی می‌شود. به دیگر سخن، پیوندهای همبستگی مکانیکی که بر پایه کلیت کم و بیش سازمان یافته ای از باورها و احساسات مشترک همه اعضای گروه استوار بود، در جامعه صنعتی جای خود را به نیروهای جدید قدرتمندی داد که با پیچیدگی و تمایز زیاد و وابستگی بیشتر به جامعه ارتباط دارد و با میزان فزاینده ای از استقلال فردی مشخص می‌شوند (دورکیم<sup>(۳)</sup>، ۱۹۶۴ [۱۸۹۳]: ۱۲۹، کیویستو، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

زیمل معتقد به یک روند تفکیک اجتماعی، در جوامع نوین بود. ولی به جای پرداختن به مرحله بندی مسیر حرکت جوامع کار خود را بر روی اهمیت و طبیعت عضویت های گروهی متمرکز نمود. در بحث شبکه پیوستگی های گروهی علاقه زیمل این بود که تا چه حد تغییرات در شبکه ساخت های اجتماعی تشکیل دهنده جامعه بر روی مردم اثر می‌گذارد. از دیدگاه زیمل در واقع تعداد و مبنای گروه هایی که افراد به آنها تعلق دارند، صرف نظر از علایق و تمایلات گروه‌ها، بر روی کنش متقابل تأثیر می‌گذارد (ریتر، ۱۳۸۰: ۲۲۱). از نظر زیمل فرایند تفکیک اجتماعی، دو تحول اساسی در شیوه کنش متقابل در جامعه ایجاد کرده است. اولین

1 - psychic mobility

2 - Attitude

3 - Durkheim

تغییر بر مبنای شکل گیری گروه ها از ارگانیک به عقلایی است. توضیح اینکه وقتی گروه های اجتماعی بر اساس عامل ارگانیک تشکیل می یابند افراد هیچ کترلی روی عوامل خارجی زیر بنایی گروه ندارند. نمونه هایی از این عوامل که عمده به وسیله ولادت تعیین می یابند عبارتند از: خانواده، محل اقامت، قومیت و گاهی سن و جنس. در مقابل، زمانی که پیوستگی گروهی عقلایی باشد، تشکیل گروه ها بر اساس آگاهی، برنامه ریزی و انتخاب فردی می باشد. یکی دیگر از تحولات ساختاری ناشی از تفکیک اجتماعی، افزایش تعداد گروه هایی است که مردم می توانند با آن ها پیوند داشته باشند (ریترز: ۲۲۲). تعلق به گروه های مختلف بدین معنی است که انسان ها به عنوان افرادی که گرایشات و تجربیات منحصر به فردی دارند، در نظر گرفته می شوند و هر کس از دیگران متفاوت است (ریترز: ۳۲۳). در این گروه ها افراد از شخصیت منحصر به فرد خویش آگاهی پیدا کرده و این آگاهی منجر به آزادی فردی می گردد (ریترز: ۳۲۴). فرد تا زمانی که با گروه محدودی تعامل داشته باشد، امکان گزینش و انتخاب راه های متفاوت را ندارد، «اما همین که از چیرگی حلقه کوچکی که شخصیت خود را در چهارچوب محدوده هایش اسیر می سازد رهایی یابد، از یک نوع ادراک رهایی آگاه می شود. در واقع انشعاب تعلق اجتماعی پیش شرط پیدایش فرد گرایی است» (زیمل به نقل از کوزر: ۲۶۳). نه تنها زیمل بلکه هابرماس نیز معتقد است افراد نمی توانند استقلال یابند مگر اینکه استقلال افراد از طریق تعامل با دیگران در یک ساختار به هم مرتبط اجتماعی به دست آید. کنش گر مستقل فردی است که توانایی باز شناسی حقوق، قضاوت ها، تعاریف شخصی و پاسخ گویی عقلانی به خودش را در طول زندگی دارا است. این توانایی از خلال کنش متقابل فعال فرد با نهادهای اجتماعی پیرامونش حاصل می گردد. حضور فعال فرد در فضای عمومی<sup>(۱)</sup> و گفتمان اخلاقی و جمعی، اهمیت ویژه ای در شکل گیری استقلال فردی دارد (ابوالافیا، ۱۹۹۶: ۱۲۰-۱۱۹). از نگاه هابرماس خود مختاری فرد زمانی محقق می شود، که وی با شرکت فعال خود در گفتمان عمومی به فردیتی دست یابد که جامعه آن را به رسمیت بشناسد (ابوالافیا، ۱۹۹۶: ۱۲۰-۱۱۹).

۱۱۹). از طرف دیگر به نظر هابر ماس وجود تیپ‌های اجتماعی<sup>(۱)</sup> و نقش‌های متعدد، منشا فردیت می‌باشند (ابوالافیا<sup>(۲)</sup>، ۱۹۹۶: ۱۰۶).

ریسمن در کتاب جماعت تنها سه نوع شخصیت اجتماعی را طرح کرده است، یکی از آن‌ها «شخصیت سنت گرا»<sup>(۳)</sup>، است که نشانه‌ای از گذشته پیشاصنعتی در نظر گرفته می‌شود و ویژه جوامع کشاورزی است و بنابراین بر جوامع صنعتی مدرن تطبیق پذیر نیست. نوع دیگر، «شخصیت هدایت شده از درون»<sup>(۴)</sup> است که خاص جوامع در حال توسعه و در حال صنعتی شدن است یعنی جوامعی که در حال گذار از سنت به مدرنیته می‌باشند. نوع سوم شخصیت که ریسمن آن را «هدایت شده از بیرون»<sup>(۵)</sup> می‌نامد، نوعی شخصیت اجتماعی است که آن را خاص جوامع سرمایه داری و به شدت بروکراتیک می‌داند (کیویستو، ۱۳۸۴: ۱۵۳). شخصیت فرد در چنین جامعه‌ای فرد گرا است ولی نوع فرد گرایی اش با جوامع در حال گذار فرق دارد. در این جوامع هدایت فرد از درون نیست بلکه به شدت تحت تأثیر رسانه‌های گروهی قرار دارد. در واقع او شکل‌گیری این سه نوع شخصیت را حاصل از گذر جوامع از پیشاصنعتی به صنعتی و سپس سرمایه داری می‌داند. یکی از انواع شخصیت‌ها که خاص جامعه در حال گذار از سنتی به مدرن است و آن را شخصیت هدایت شده از درون یا همان فرد گرا می‌نامد، چنین تعریف می‌شود:

«شخصیت هدایت شده از درون، با درونی گرداندن ارزش‌ها و هدف‌هایی که از اوایل زندگی پدر و مادر و دیگر مظاهر قدرت نزدیک به فرد القا می‌کنند، مشخص می‌گردد. این ارزش‌ها و هدف‌ها همین که درونی شدند به اصول راهنمایی تبدیل می‌شوند که فرد در زندگی بر مبنای آن‌ها عمل می‌کند. برای افراد با شخصیت هدایت شده از درون، وجدان خود آن‌ها گنجینه ارزش‌هایشان است و مفهوم هدف‌های مناسب خود را از آن می‌گیرند. آنان شخصیتی بسیار فردیت یافته دارند و کنش‌هایشان با الزامات رفتاری درونی آنان، هماهنگ است. به دیگر سخن، فرد هدایت شده از درون، دارای آن چیزی است که ریسمن آن را «قطب نمای درونی» می‌نامد که به او کمک می‌کند خود را آماده کند و در راه درست نگاه دارد» (ریسمن، ۱۹۸۹: [۱۹۵۰] ۲۴).

- 
- 1- Social types
  - 2- Aboulafia
  - 3- Tradition-directed
  - 4- Inner – directed
  - 5- Other - directed

ریسمن نحوه شکل گیری این شخصیت را چنین بیان می کند: «در جوامع غربی، با افزایش جمعیت و از بین رفتن جامعه فتودالی جامعه دگر گونه شد به طوری که، جامعه ای که همیشه سنت در آن حکم فرما و هدایت گر بود به مدل دیگر یعنی به جامعه ای که از درون هدایت می شود تبدیل شد. به طور کلی بزرگ ترین تغییر زمانی رخ داد که بشر از پیوندهای اولیه ای که او را به جامعه سنت گرا متصل می کرد گسسته شد. در این زمان یک تغییر نسبتاً ثابت در نسبت تولدها به مرگ و میرها، ایجاد شد. این افزایش جمعیت هم باعث و هم نتیجه تغییرات شدید اجتماعی بود. در بسیاری از موارد در نتیجه کاهش میزان مرگ و میرها و میزان باروری، جمعیت به سرعت افزایش یافت. کاهش در میزان مرگ و میرها ناشی از عوامل زیادی بود از جمله: بهبود وضعیت بهداشت (در اثر ریشه کن کردن بیماری های کشنده، درمان بسیاری از بیماری ها و زنده ماندن بسیاری از نوزادان پس از تولد)، بهبود وضع ارتباطات (که باعث شد دولت ها بتوانند در منطقه وسیعی عمل کنند و مواد غذایی را به مناطقی که کمبود غذا وجود داشت برسانند) و با روش های جدید کشاورزی مواد غذایی بیشتری می توانست تولید شود که خود منجر به افزایش جمعیت می شد. در تاریخ غرب، با افزایش جمعیت ایجاد شده، سهم سرانه افراد از آب و زمین کم شد در نتیجه رانش جمعیتی ای پدید آمد که افراد برای زنده ماندن به دنبال مشاغل دیگری جز کشاورزی بودند در نتیجه به دنبال خدمات و صنعت رفتند و مهاجرت ها پدید آمد. در نتیجه این تغییرات به تدریج رنسانس و انجام اصلاحات پدید آمد. پس از رنسانس و انجام اصلاحات جامعه ای به وجود آمد که دیگر به وسیله سنت هدایت نمی شد بلکه در این جامعه هدایت افراد از طریق خود آنان و از درون صورت می گرفت و شخصیت ایجاد شده در چنین جامعه ای شخصیت هدایت شده از درون گفته می شد. ویژگی عمده چنین جامعه هایی افزایش تحرک شخصی، تجمع سریع سرمایه (که با تغییرات تکنولوژیکی همراه بود) و گسترش دائمی در تولید کالاها و افزایش موقتی جمعیت بود. انتخاب های گسترده در جامعه ایجاد شد که به این نوع شخصیت اجازه می داد بتواند زندگی خود را رهبری و مدیریت کند بدون اینکه تحت سخت گیری های سنت قرار گیرد. چنین جامعه ای به همه گروه ها اجازه می دهد که دور هم جمع شده و در کنار هم قرار گیرند در حالی که از هم متمایزند. در جوامع در حال صنعتی شدن، موقعیت های جدید و تازه زیادی به وجود آمده اند، موقعیت هایی که یک راه و رسم و یک سنت، نمی تواند آن را دربرگیرد و به پیش برد. در نتیجه مسأله انتخاب فردی به وجود می آید، مردم با انتخاب وسیعی از اهداف مانند پول، دارایی، قدرت، علم، شهرت و غیره روبرو هستند که این اهداف به طور ایدئولوژیکی به هم مربوط هستند و



انتخاب از بین راه های مختلف، به وسیله شخصیتی که به شدت فردیت یافته است انجام می شود» (ریسمن، ۱۹۵۶: ۳۲). شخصیت فردیت یافته قادر به حفظ تعادل بین خواسته ها و اهداف زندگی و فشارهای محیط بیرونی است و در واقع هدایت درونی او به صورت اتوماتیک نیست و این اشتباه است که فکر کنیم شخصیت فردیت یافته قادر به یادگیری تجربیات و یا حساس به عقاید عمومی و محیط بیرونی نیست. او می تواند نشانه های خاص بیرونی را دریافت کرده و به کار گیرد، به این شرط که آن نشانه ها و علامت ها بتوانند با محدودیت هایی که قطب نمای درونی اش اجازه می دهد، منطبق شوند» (ریسمن، ۱۹۵۶: ۳۲). با تأکید بر نظریات ریسمن از آنجا که جامعه ما نیز جامعه ای در حال گذر از سنتی به مدرن است، می توان شاهد شکل گیری چنین شخصیتی در افراد بود، فردگرایی ای که با کاهش سنت گرایی همراه است. بنابراین با این فرضیه روبرو هستیم که هر چه میزان سنت گرایی افراد بیشتر باشد میزان فردگرایی آن ها کمتر است.

### دیدگاه های مربوط به سطح خرد

مرتن از دیدگاه جامعه شناسی خرد به فردگرایی توجه می کند (بسنارد<sup>(۱)</sup>، ۱۹۸۷: ۶۶-۲۵۰، زمکا<sup>(۲)</sup>، ۱۹۸۶ به نقل از کیویستو، ۱۳۸۴). یک جنبه از توجه مرتن به فردگرایی مدرن را می توان در نظریه ی وی درباره «مجموعه نقش»<sup>(۳)</sup> مشاهده کرد. (کوزر<sup>(۴)</sup>، ۱۹۷۵: ۲۱-۱۲۰، سامنر<sup>(۵)</sup>، ۱۹۹۴: ۲۱-۱۲۰ به نقل از کیویستو، ۱۳۸۴) رزلوب کوزر<sup>(۶)</sup> (۱۹۷۵: ۲۳۹) معتقد است که نظریه مجموعه نقش مرتن «ابزاری برای استقلال در جامعه مدرن به دست می دهد». نظریه مجموعه نقش با این بیان ساده آغاز می گردد که افراد در زندگی هر روزه، نقش های متفاوتی بازی می کنند. این نقش ها گاهی ممکن است هم زمان شوند، اما همیشه چنین نیست و امکان ستیزه و ناسازگاری تقریباً زیاد است. این امر تصمیم گیری آگاهانه فرد را ضروری می سازد و در نتیجه انتخاب هایی که افراد به عمل می آورند، در نقش ها مشخص و هماهنگ می شوند. اگر چه ساختار اجتماعی هم چنان تعاریف نقش را شکل می دهند، ولی در اندیشه مرتن انتخاب های فردی تأثیر بیشتری دارند

1 -Besnard

2 -Sztompka

3 -Role set

4 - Coser

5 - Sumner

6 -Rose Laub Coser

( کیویستو، ۱۳۴۸: ۵۰-۱۴۷). از طرف دیگر مید نیز بر نقش پذیری تأکید می کند. مید برای آنکه بتواند تصویر واضحی از فرآیند های باز تفسیر در ذهن آدمی به دست دهد، میان من فاعلی<sup>(۱)</sup>، من مفعولی<sup>(۲)</sup>، و خود<sup>(۳)</sup> تفاوت و تمایز قایل می شود. من فاعلی (در بر گیرنده آزادی و ابتکار فردی است) جنبه خلاق و غیر قابل پیش بینی ذهن آدمی است (ریترز: ۲۹۷). اهمیت نقش من فاعلی در فرایند باز تفسیر فردی و انتخاب گزینه ها ی متفاوت، در بحث های مید کاملاً نمایان است. از نظر مید کنش گر زمانی می تواند در یک کار گروهی شرکت کرده و از عهده ایفای نقش خود در یک گروه بر آید که مرحله بازی های کود کانه را به درستی پشت سر گذاشته باشد. نهایتاً در دوره آخرین بازی های کود کانه، فرد به ادراک عام قواعد حاکم بر رفتار نایل می شود. مید این مرحله را مرحله فهم دیگری تعمیم یافته می نامد. در این دوره «من» و خصلت های تفسیری خلاق و ویژگی فرد را شکل می دهد. با دقت در تئوری نقش پذیری<sup>(۴)</sup> مید می توان به این نتیجه دست یافت که میزان توانایی های افراد در تفسیر موقعیت های اجتماعی به میزان درونی کردن نقش های مختلف اجتماعی وابسته است. پس هر چه فرد با محیط های مختلف در ارتباط باشد و نقش های متعددی را ایفا کند، امکان افتراق شخصیت و ایجاد فردیت بیشتری را خواهد داشت. نظریات مرتن و مید و آنچه که در مورد نقش پذیری و تعدد نقش ها مطرح می کنند و اینکه پذیرش نقش های متعدد، انتخاب های فرد را گسترش داده و ابزاری برای استقلال فرد در جامعه مدرن به دست می دهد مبنایی برای یکی از فرضیات است: بدین گونه که هر چه تعداد نقش های افراد در مجموعه نقش بیشتر باشد میزان فرد گرایی آن ها بیشتر است.

صاحب نظران متعددی نیز درباره اهمیت اثر گذاری میزان خلوت شخصی افراد بر فرد گرایی اظهار نظر کرده اند. شیوتانی بر اساس مشاهدات و تحقیقات انجام شده این فرضیه را بیان می دارد که: «خود مختاری به میزان فاصله اجتماعی که افراد با دیگران دارند بستگی دارد. البته هر شخصی نوعاً فاصله ای را با دیگران حفظ می کند. اما برخی پیرامون خود دیوارهای مستحکمی بنا می کنند و اگر چه ممکن است آن ها را صمیمی و پر تعامل ببایم ولی به راحتی نمی توان به دنیای خصوصی آن ها نفوذ کرد» (شیوتانی، ۱۹۶۱: ۳۱۴ به نقل از کوک). در جای دیگر کوک عنوان می کند که «برای دستیابی به خود مختاری، خود آفرینندگی و خلاقیت، فرد بایستی بتواند به طور موقت از دیگران فاصله گرفته و در فضای منفرد و درونی خود به کنکاش پیرامون این مسایل پردازد» (کوک، ۱۹۹۹: ۳۵). وستن نیز معتقد است که خلوت شخصی برای افراد چهار کار کرد عمده دارد: - استقلال فردی - خود سنجی - فراهم آوردن ارتباط محدود و مناسب - تخلیه عاطفی به

1 - I

2 - Me

3 - Self

4 -Role taking

نظر وی هر گاه افراد در نظارت بر خلوت خویش ناتوان باشند، فردیت، ارزش‌های مهم شغلی و ارتباطاتشان با جهان پیرامونشان دست‌خوش آسیب خواهد شد (آلمن، ۱۳۸۲: ۲۳).

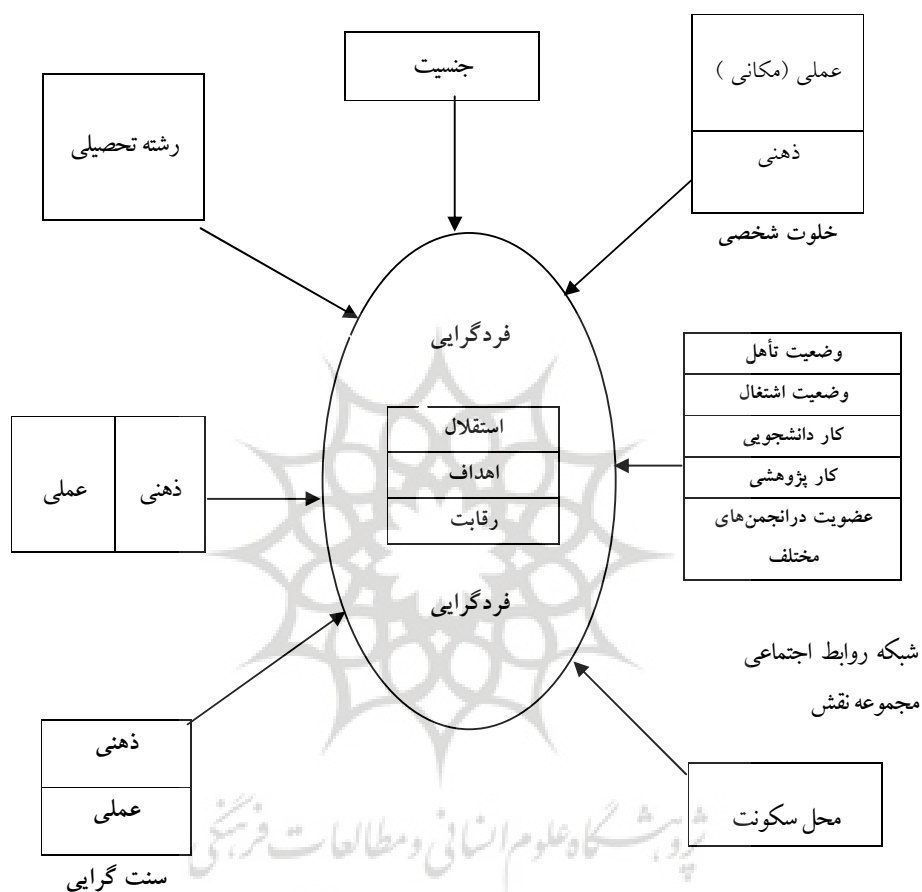
محیط‌ها بر خلیات، ادراکات و احساسات ما تأثیرات عمیقی دارند (فورگاس، ۱۳۷۳: ۳۶۲). همان‌طور که آلمن (۱۹۷۵) مطرح کرده است: میزان تماس اجتماعی مطلوب در مردم، در وضعیت‌های مختلف نوسان دارد، و مردم اصطلاحاً از «مکانیسم‌های تنظیم خلوت»<sup>(۱)</sup> مثلاً دست‌کاری محیط فیزیکی خود استفاده می‌کنند تا تماس‌های اجتماعی شان را در سطح مطلوبی نگهدارند. آن‌طور که در دایرةالمعارف جامعه‌شناسی آمده است: در تأکید زیاد بر فردگرایی، رفته رفته بین مسایل عمومی و خصوصی در خانه و خانواده تمایز دیده می‌شود. و یا آن‌طور که از نظریات ریسمن بر می‌آید با تغییر از جامعه سستی به صنعتی و تغییر خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای، شکل معماری خانه‌ها هم نسبت به گذشته تغییر کرده است. در چنین فضایی است که امکان خلوت شخصی برای افراد فراهم می‌شود. بنابراین نظرات می‌توان گفت: هر چه میزان خلوت شخصی افراد افزایش یابد میزان فردگرایی آن‌ها هم بیشتر می‌شود.

### فرضیات

فرضیه اصلی این است که فردگرایی دانشجویان دانشگاه فردوسی با عوامل مورد توجه در این پژوهش در سطح خرد و کلان رابطه دارد به طوری که می‌توان گفت:

- ۱- زنان میزان فردگرایی کمتری نسبت به مردان دارند.
- ۲- هر چه مدت سکونت در شهر بیشتر باشد میزان فردگرایی بیشتر است.
- ۳- بین رشته تحصیلی و فردگرایی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- هر چه تعداد نقش‌های افراد در مجموعه نقش بیشتر باشد فردگرایی آن‌ها هم افزایش می‌یابد.
- ۵- هر چه شبکه روابط اجتماعی افراد گسترده‌تر باشد میزان فردگرایی افراد بیشتر است.
- ۶- هر چه میزان خلوت شخصی افراد بیشتر باشد فردگرایی آن‌ها نیز بیشتر است.
- ۶-۱- هر چه میزان خلوت ذهنی افراد بیشتر باشد میزان فردگرایی بیشتر است.
- ۶-۲- هر چه میزان خلوت عینی افراد بیشتر باشد میزان فردگرایی آن‌ها بیشتر است.
- ۷- هر چه میزان سنت‌گرایی افراد بیشتر باشد میزان فردگرایی آن‌ها کمتر است.

### نمودار تحلیلی



### روش تحقیق

برای شناخت موضوع مورد مطالعه، یعنی فرد گرایی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، از روش پیمایشی استفاده شد. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به موضوع مورد مطالعه (متغیرها) از پرسش‌نامه استفاده شد و بیشتر سؤال‌های طرح شده در پرسش‌نامه به صورت مقیاس‌های چند گویه‌ای مطرح شد که علاوه بر بالا بردن میزان پاسخ‌گویی، هم امکان شناخت مقاصد ذهنی را می‌دهد و هم امکان سنجش متغیرها

در سطح فاصله ای و در نتیجه امکان به کارگیری آزمون های پیش رفته آماری مثل تحلیل عاملی و رگرسیون و تحلیل مسیر را فراهم می سازد. جامعه آماری، کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد می باشند. طبق اطلاعات آموزش دانشگاه تعداد دانشجویان دانشگاه در ترم دوم سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶، معادل ۱۸۱۵۲ نفر بوده است. حجم نمونه از طریق روش های آماری بر آورد شد که به شرح زیر صورت گرفت: سطح اطمینان ۹۵٪ در نظر گرفته شد. در نتیجه ضریب اطمینان بر اساس جدول توزیع نرمال معادل ۱/۹۶ بود. مقدار اشتباه بر آورد نمونه معادل با ۰/۰۶۲ و انحراف استاندارد بر اساس متغیر اصلی تحقیق که میزان فرد گرایی بود، بر مبنای آزمون اولیه (با ۴۰ نفر آزمودنی) معادل ۰/۵۴ در نظر گرفته شد. بنابراین حجم نمونه با توجه به ارقام ذکر شده، و با استفاده از فرمول کوکران، ۲۹۴ نفر شد که به طور کلی حجم نمونه ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است.

(فرمول کوکران  $n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$ ). چارچوب جامعه آماری، دانشکده های مختلف دانشگاه هستند که در این پژوهش از روش نمونه گیری چند مرحله ای خوشه ای، تصادفی و قشر بندی نامتناسب استفاده شد. هر یک از دانشکده های موجود در دانشگاه به عنوان یک قشر در نظر گرفته شد، از آنجا که تعداد دانشکده ها ۱۰ تا بود بنابراین تعداد قشر های تحقیق نیز برابر با ۱۰ در نظر گرفته شد. حجم نمونه که ۳۰۰ نفر بود، به طور مساوی بین هر قشر یعنی بین هر کدام از دانشکده ها تقسیم شد. در داخل هر کدام از دانشکده ها، یکی از رشته ها به طور تصادفی انتخاب شد. لذا در مرحله اول انتخاب یک دانشکده به عنوان قشر و در مرحله دوم رشته تحصیلی به عنوان یک خوشه در درون هر قشر یعنی دانشکده در مرحله سوم در رشته تحصیلی نمونه سه کلاس با قرعه کشی به عنوان خوشه کوچک تر درون خوشه بزرگتر یعنی رشته، انتخاب شد. اجرای پرسش نامه در کلاس های نمونه هر رشته انتخابی با روش تصادفی سیستماتیک انجام شد.

## ۵-۱- بررسی پایایی<sup>(۱)</sup> ابزار تحقیق

هر یک از متغیر های مستقل پس از تعریف نظری با مجموعه ای از ابعاد و معرف های مناسب مرتبط به هم بر حسب مورد و ضرورت در قالب مقیاس یک بعدی یا چند بعدی اندازه گیری شد. برای تعیین پایایی گویه های هر متغیر از آمار «آلفای کرونباخ» استفاده شد، که دامنه آن از ۰ تا ۱ است.

## جدول شماره ۱- نتایج روایی معرف های متغیر های مستقل و وابسته

نتایج آزمون (آلفای کرونباخ) Reliability	تعداد معرف ها	خوده ایجاد	ایجاد	متغیرها
۰/۶۸	۴		۱-۱ ذهنی	۱- خلوت شخصی
	۲		۲-۱ عینی (مکانی)	
۰/۸۲۰	۱	۱-۱-۲ ذهنی (شناختی)	۱-۲ رابطه با گروه ها و انجمن ها	۲- شبکه روابط اجتماعی
	۲	۲-۱-۲ عاطفی		
	۲	۳-۱-۲ عملی		
	۱	۱-۲-۲ ذهنی	۲-۲ رابطه با افراد	
	۲	۲-۲-۲ عاطفی		
	۲	۳-۲-۲ عملی		
۰/۶۰	۱	۱-۱-۳ داشتن شغل	۱-۳ پایگاه شغلی	۳- مجموعه نقش
	۲	۱-۲-۳ داشتن همسر و فرزند	۲-۳ پایگاه خانوادگی	
	۱۲	۱-۳-۳ عضویت در انجمن ها	۳-۳ پایگاه تحصیلی	
۰/۸۴	۲	۱-۱-۴ طبق مذهب عمل کردن	۱-۴ مذهبی	۴- سنت گرایی
	۳	۱-۲-۴ ارزش های خانوادگی	۲-۴ اجتماعی	
	۱	۲-۲-۴ نقش جنسیتی		
۰/۸۴۳	۸	ذهنی (شناختی) عملی	۱-۵ استقلال	۵- فرد گرایی
	۴	ذهنی (شناختی) عملی	۲-۵ اهداف شخصی	
	۴	ذهنی (شناختی) عملی	۳-۵ رقابت	

## ۵-۲- متغیر های وابسته و مستقل

متغیر وابسته در این تحقیق فردگرایی دانشجویان است. فردگرایی عبارت است از گرایش ذهنی و رفتاری که منجر به خودمختاری فرد می شود به گونه ای که فرد اهداف و خواسته های فردی برایش مهم تر هستند تا اهداف و خواسته های دیگران و بیشتر خود را مسئول موفقیت و شکست خود می داند. متغیر فردگرایی در سه بعد استقلال، اهداف شخصی و رقابت مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر به وسیله طیف لیکرت و با ۱۶ گویه سنجیده شده است. در مقابل هر گویه پنج گزینه وجود دارد که از کاملاً مخالف شروع و به کاملاً موافق ختم می گردد. بر اساس پاسخی که پاسخ گو به هر گویه داد نمره ای از ۱ (برای کاملاً مخالف) تا ۵ (برای کاملاً موافق) را دریافت نمود و در پایان مجموع نمرات وی در ۱۶ گویه، نمره فردگرایی را تشکیل داد. لذا بیشترین فردگرایی نمره ۸۰ و کمترین فردگرایی، نمره ۱۶ می باشد. بنابراین سطح سنجش متغیر فردگرایی فاصله ای است و محاسبات آماری بر مبنای این سطح سنجش انجام گرفته است. جدول شماره ۲ ابعاد و معرف های فردگرایی را نشان می دهد.

جدول شماره ۲- گویه های دسته بندی شده در هر عامل

ابعاد فردگرایی	گویه های فردگرایی	بار عاملی
رقابت	رقابت قانون طبیعت است.	۰/۷۶۶
	برای رسیدن به هدفم حتی حاضرم با دوستان نزدیکم هم رقابت کنم.	۰/۸۳۰
	بدون رقابت نمی توان جامعه خوبی داشت.	۰/۸۲۷
	فکر می کنم در موفقیت افراد شانس عامل مهمی است.	۰/۳۰۲
اهداف شخصی	معمولاً بر اساس برنامه ریزی شخصی کارهایم را انجام می دهم.	۰/۵۶۸
	من اگر در کاری شکست بخورم آن قدر تلاش می کنم تا به آن برسم.	۰/۸۱۶
	هر موفقیتی در زندگی ناشی از کار و تلاش شخص است.	۰/۶۴۰
	خواسته های خودم برایم مهم هستند حتی اگر مجبور باشم خواسته های خانواده ام را فدا کنم.	۰/۷۰۲
استقلال	هر چند با دیگران مشورت می کنم اما فکر می کنم در نهایت خودم بهتر می توانم تصمیم گیری کنم.	۰/۶۸۵
	نتیجه کارهایی که انجام می دهم هر چه باشد من خود را مسئول آن ها می دانم نه دیگران را.	۰/۷۵۱
	اگر در کاری موفق می شوم نتیجه تلاش خودم است تا کمک و توجه والدینم.	۰/۵۴۶
	من علاقه دارم کارهایی را که خود فکر می کنم درست است انجام دهم به جای اینکه صرفاً کارهایی را انجام دهم که مورد تحسین دیگران باشم.	۰/۵۵۵
	من ترجیح می دهم به گونه ای فکر کنم و تصمیم گیری کنم که به نتیجه دلخواه خود برسم تا اینکه نگران واکنش دیگران باشم.	۰/۵۲۱
	من هدف های زندگی را خود تعیین می کنم تا اینکه دیگران (یا والدینم) آن ها را تعیین کنند.	۰/۵۰۷
	من عواطف و احساساتم به دیگران را آزادانه بیان می کنم.	۰/۴۵۵
	من ترجیح می دهم از لحاظ مالی به خود متکی باشم تا به والدینم.	۰/۴۴۷

### ۳-۵- فردگرایی و تحلیل عاملی ابعاد آن

در این مطالعه فردگرایی با ۳ بعد (خودمختاری، اهداف شخصی و رقابت) سنجیده شده است. برای سنجش اعتبار ساختاری<sup>(۱)</sup> آن تحلیل عاملی انجام شد که نتایج مقدار آزمون را ۰/۸۸۲ و آزمون بارتلت را معنادار ( $0.000 = sig$ ) نشان می‌دهد که به طور نسبتاً قوی داده‌های تحقیق را جهت اجرای تحلیل عاملی تأیید می‌کند. با توجه به جدول شماره (۳) یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم فردگرایی دارای ۳ بعد اصلی است لذا با پیشینه نظری هم سانی و هم سویی دارد.

#### جدول شماره ۳- آزمون KMO و بارتلت

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.866
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	1556.587
	df	120
	Sig.	.000

#### جدول شماره ۴- مجموع مجذورات بارهای عاملی مربوط به نتایج تحلیل گویه‌های فردگرایی

عامل ها	٪نهم هر عامل	٪نهم تجمعی
۱-اهداف شخصی	۱۷/۰۰۶	۱۷/۰۰۶
۲-استقلال	۱۶/۹۳۷	۳۳/۹۴۳
۳-رقابت	۱۶/۹۱۴	۵۰/۸۵۶

پس از چرخش، عوامل یا ابعاد فوق درصدهای متفاوتی از مجموع مجذورات بارهای عاملی را به خود اختصاص داد. درصد تراکمی مجموع واریانس‌های توضیح داده شده توسط عوامل فوق، شاخصی است که برای ارزیابی متغیرهای انتخاب شده به کار می‌رود. با توجه به جدول شماره (۴) این عامل‌ها در مجموع ۵۰/۸۵ درصد واریانس کل تغییرات فردگرایی را توضیح می‌دهند که سهم عامل اول تلاش برای اهداف

1 -Construct validity



شخصی ۱۷٪، عامل دوم استقلال ۱۶/۹۳ و عامل سوم رقابت ۱۶/۹۱ از کل واریانس ها را توضیح می‌دهند. عامل اول یعنی تلاش برای اهداف شخصی مقدار واریانس بیشتری را توضیح می‌دهد و مهم‌ترین عامل می‌باشد.

## ۶- یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا آمار توصیفی (روابط یک متغیری) و سپس آمار استنباطی (روابط دو متغیری و چند متغیری) مورد بررسی قرار می‌گیرند و سپس نتایج تحلیل عاملی آورده می‌شود.

### ۶-۱- توصیف دانشجویان

دانشجویان نمونه مورد پژوهش از نظر جنسیت ۳۸/۳ (۱۱۵ نفر) مرد و ۶۱/۷ (۱۸۵ نفر) زن می‌باشند. ۸۴/۷ (۲۵۴ نفر) از افراد نمونه در مقطع لیسانس و ۵/۳ (۱۶ نفر) در مقطع فوق لیسانس و بالاخره ۰/۱۰ (۳۰ نفر) در مقطع دکترا تحصیل می‌کنند. از این تعداد نمونه ۰/۹۱ بی‌کار و ۰/۹ شاغل هستند. ۰/۸۷ افراد مجرد و بقیه (۰/۱۳) متأهلند. محل زندگی دائم ۹۰/۳ دانشجویان شهر و بقیه (۶/۷) روستایی باشد.

در بین کل دانشجویان، میزان سنت گرایی متوسط از سطوح دیگر سنت گرایی بیشتر است. میزان سنت گرایی متوسط در بین دانشجویان دختر غالب تر است در حالی که میزان سنت گرایی کم در بین پسران بیشتر دیده می‌شود. متوسط میزان شبکه روابط اجتماعی دانشجویان اندکی کمتر از حد میانگین است. تعداد نقش‌های دانشجویان و میانگین نقش‌ها در مجموعه نقش آن‌ها بسیار کم است. متوسط میزان خلوت شخصی دانشجویان در حد بالا است. متوسط خلوت ذهنی دانشجویان در حد بسیار زیاد است ولی متوسط خلوت مکانی آن‌ها در حد زیاد می‌باشد. میزان فرد گرایی دانشجویان به طور کلی بالاتر از حد متوسط است (جدول ۵).

## جدول شماره ۵ - خلاصه ارزیابی اطلاعات توصیفی

ردیف	متغیر	شاخص های مرکزی	
		نما	میانه
۱	جنسیت	زن	
۲	محل سکونت	شهر	
۳	مقطع تحصیلی	لیسانس	
۴	مجموعه نقش	خیلی کم	خیلی کم
۵	شبکه روابط اجتماعی	متوسط	متوسط
۶	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	متوسط	متوسط
۷	خلوت شخصی ۱-۷- خلوت ذهنی ۲-۷- خلوت مکانی	زیاد	زیاد
		بسیار زیاد	زیاد
۸	سنت گرایی	متوسط	متوسط
۹	فردگرایی میانگین ۵۵/۰۳ (بازه ۱۶-۸۰)	کمی بالاتر از متوسط	متوسط

## ۶-۲- تحلیل داده ها (آزمون فرضیات)

جدول شماره (۶) نشان می دهد هر چه شبکه روابط اجتماعی افراد بیشتر باشد و میزان خلوت شخصی آن ها هم بالاتر باشد، میزان فردگرایی آنان افزایش می یابد. در حالی که هر چه سنت گرایی دانشجویان بیشتر باشد میزان فردگرایی آنان کمتر می باشد. بین رشته های تحصیلی و فرد گرایی رابطه معناداری وجود دارد به طوری که آزمون توکی نشان می دهد رشته ها به دو گروه تقسیم می شوند، در گروه اول رشته الهیات و در گروه دوم بقیه رشته ها قرار گرفت. نتایج نشان می دهد که میزان فرد گرایی در گروه دوم بیشتر است. لذا دانشجویان رشته الهیات میزان فرد گرایی کمتری تا دانشجویان بقیه رشته ها دارند. جنسیت بر میزان فرد گرایی دانشجویان تأثیر دارد به طوری که مردان میزان فرد گرایی بیشتری نسبت به زنان دارند. همچنین محل سکونت افراد بر میزان فرد گرایی آن ها مؤثر می باشد، به طوری که افراد ساکن شهر فرد گرایی بیشتری نسبت به دانشجویان ساکن روستا دارند.

جدول شماره ۶- خلاصه نتایج آزمون های آماری سنجش رابطه بین متغیر وابسته (فردگرایی) با متغیر های مستقل

نتایج آزمون های آماری					متغیر های مستقل	
آزمون در سطح اندازه گیری فاصله ای		آزمون در سطح اندازه گیری اسمی				
سطح معناداری	B	سطح معناداری (sig)	آزمون دو حالته t-test بازه میانگین ۱۶-۸۰	آزمون چند حالته TUKEY مقدار F		
		۰/۰۰		۵۶/۴۰	میانگین مرد	۱. جنسیت
				۵۴/۱۶	میانگین زن	
		۰/۰۰		۵۵/۵۳	میانگین شهر	۲. محل سکونت
				۴۷/۸۵	میانگین روستا	
		۰/۰۰	۲/۹۸		رشته الهیات	۳. رشته تحصیلی
			۳/۳ و بیشتر		سایر رشته ها	
۰/۰۰۰	۰۱/۲۲۴					۴. خلوت شخصی
۰/۰۰۰	-۱/۰۰۹					۵. سنت گرایی
۰/۰۰۰	۰/۷۹۳					۶. مجموعه نقش
۰/۰۰۰	۰/۶۴۴					۷. شبکه روابط اجتماعی

برای کنترل روابطی که در سطح تحلیل های دو متغیری بین متغیر وابسته (فردگرایی دانشجویان) و هر یک از متغیر های مستقل اصلی پژوهش به دست آمد، از تحلیل رگرسیون چند گانه استفاده شد و کل متغیر های وارد شده در مدل در جدول شماره (۷) بیان شده است. نتایج تحلیل نشان داد که از بین متغیر های مستقل وارد شده، متغیر های طبقه اجتماعی، مقطع تحصیلی و نیز همه رشته های تحصیلی به جز رشته الهیات در کنار بقیه متغیر ها بر فردگرایی تأثیر ندارند، لذا از مدل خارج شدند. از بین متغیر های مستقل باقی مانده در مدل، متغیر خلوت شخصی و بعد از آن سنت گرایی بر جستگی خاصی را نشان دادند به طوری که توانستند در

بین متغیرهای مستقل مورد توجه در این پژوهش، بالاترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته یعنی فرد گرایی دانشجویان را به خود اختصاص دهند.

### جدول شماره ۷- کل متغیرهای وارد شده در تحلیل چند متغیری رگرسیون

کل متغیرهای وارد شونده در مدل (عوامل مؤثر فرد گرایی)
جنسیت (زن = ۲، مرد = ۱)
محل سکونت (شهر = ۲، روستا = ۱)
شبکه روابط اجتماعی (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵)
خلوت شخصی (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵)
تعدد نقش (۱ تا ۶ نقش)
رشته تحصیلی (الهیات = ۱، عربی = ۲، دامپزشکی = ۳، حسابداری = ۴، روان شناسی = ۵، زمین شناسی = ۶، آمار = ۷، تربیت بدنی = ۸، مهندسی برق = ۹، مهندسی صنایع غذایی = ۱۰)
سنت گرایی (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵)
مقطع تحصیلی (لیسانس = ۱، فوق لیسانس = ۲، دکتری = ۳)
طبقه اجتماعی (خیلی پایین = ۱، پایین = ۲، متوسط = ۳، بالا = ۴، خیلی بالا = ۵)

### جدول شماره ۸- نتیجه نهایی تحلیل چند متغیری بر متغیر وابسته (فرد گرایی)

متغیرهای داخل مدل (عوامل مؤثر) مدل stepwise			
متغیر وابسته: فرد گرایی			
Adjusted R Square = ۰/۵۰۵		R = ۰/۷۱۹	
متغیرهای مستقل	B	Beta ضریب تأثیر	سطح معناداری (sig)
خلوت شخصی	۰/۸۱۰	۰/۳۶۴	۰/۰۰۰
سنت گرایی	-۰/۵۴۳	-۰/۲۸۹	۰/۰۰۰
مجموعه نقش	۰/۸۹۳	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰
محل دایم زندگی - شهر	۳/۶۹۶	۰/۱۱۲	۰/۰۰۸
جنسیت - مرد	۱/۷۵۱	۰/۱۰۳	۰/۰۱۶
رشته الهیات	-۴/۰۰۳	-۰/۱۴۶	۰/۰۰۱

جدول شماره (۸) ضرایب ۶ مدل ساخته شده در تحلیل رگرسیون چند گانه را نشان می دهد. اندازه Beta نشان می دهد که جهت متغیرهای خلوت شخصی، تعداد نقش مثبت می باشند یعنی با افزایش میزان خلوت شخصی و تعدد نقش ها میزان فردگرایی افزایش می یابد. ولی جهت متغیر سنت گرایی منفی است یعنی با افزایش میزان سنت گرایی، میزان متغیر فردگرایی کاهش می یابد. در مدل نهایی، متغیر خلوت شخصی بیشترین ضریب تأثیر (۰/۳۶۴) را دارد، یعنی به ازای ۱ واحد که به متغیر خلوت شخصی افزوده شود متغیر فردگرایی به اندازه ۰/۳۶۴ واحد (با توجه به جهت آن) اضافه می شود. متغیر جنسیت کمترین ضریب رگرسیون را دارد. که میزان آن (۰/۱۰۳) می باشد و نشان دهنده این است که مرد بودن باعث افزایش فردگرایی است. محل دایم زندگی با ضریب ۰/۱۱۲ نشان می دهد که سکونت در شهر سبب افزایش فردگرایی می باشد. ضریب همبستگی مدل چند گانه<sup>(۱)</sup> به میزان ۰/۷۱۹ است که نشان دهنده همبستگی زیاد بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می باشد. ضریب تعیین در این مدل ۰/۵۰۵ است که نشان می دهد ۰/۵۰ از تغییرات متغیر وابسته (میزان فردگرایی دانشجویان) توسط متغیرهای مستقل حاضر در مدل توضیح داده می شوند.

اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در پیش بینی تغییرات متغیر وابسته (فردگرایی) با ضریب b برای هر متغیر بیان شده است. از ضرایب b برای تعیین میزان اثر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته استفاده می شود و معادله پیش بینی فردگرایی به شکل زیر می باشد:

میزان فردگرایی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد = خلوت شخصی (۰/۳۶۴) + سنت گرایی (۰/۲۸۹) + مجموعه نقش (۰/۱۸۱) + رشته الهیات (-۰/۱۴۶) + محل دایم زندگی (۰/۱۱۲ «شهر») + جنسیت (۰/۱۰۳) «مرد».

در معادله بالا این ضرایب (bها) تأثیر هر متغیر را به طور جدا از تأثیر سایر متغیرها بر روی متغیر وابسته نشان می دهد.

### بحث و نتیجه گیری

در ادبیات تحقیق پیرامون مفهوم فرد گرایی، مفاهیم نزدیک ولی متفاوت با آن، گاه به صورت مترادف و هم معنی با این مفهوم در نظر گرفته شده است، لیکن ما مفاهیمی چون خود شیفتگی، خود رأی بودن،

خودخواهی، سودگرایی (و ثوقی، ۱۳۸۴)، انزوا و تنهایی (چلبی، ۱۳۸۳) را از این مفهوم متمایز دانسته ایم. فرد گرایی مورد نظر، فردیتی است که قایل به هویت مستقل و مجزا برای هر فرد و نیز نقش تصمیم گیری ها و عملکرد های شخص در تعیین هویت خود او است و این چنین است که روابط فرد اختیاری می شوند (بروگاتا<sup>(۱)</sup>: ۱۹۹۶: ۱۳۰۸-۱۳۰۱). در وضعیت خودمختاری و فرد گرایی نهادینه شده، فرد با کسب شخصیت منفک و منسجم در خلال فرایند جامعه پذیری حایز اخلاق مسئولیت می شود و در جهت منافع فردی و جمعی به صورت خلاق، نقاد و سازنده حرکت می نماید (چلبی، ۱۳۷۸: ۲۸۴-۲۸۷).

نتایج نشان داد که میزان فرد گرایی کلی، در بین دانشجویان اندکی بالاتر از حد متوسط است. بررسی فرضیات نشان داد که: مردان میزان فرد گرایی بیشتری نسبت به زنان دارند (فرضیه اول). این نتیجه با آنچه که زمبل و هابرماس مرتن می گویند که هر چه میزان شبکه روابط اجتماعی بیشتر و یا هر چه تعدد نقش افراد بیشتر باشد، هم سویی دارد. نتایج نشان داد که میزان شبکه روابط اجتماعی و تعدد نقش مردها بیشتر است بنابراین فرد گرایی بیشتری نیز در مردان دیده شد.

هر چه مدت سکونت در شهر بیشتر باشد میزان فرد گرایی بیشتر است (فرضیه دوم). از آنجا که میزان شهرنشینی در کشور ما در سال های اخیر به شدت رو به افزایش گذاشته است لذا این نتیجه با نظریه دورکیم که می گوید: با صنعتی شدن جوامع و تقسیم کارها تفاوت های فردی و به تبع آن فرد گرایی رخ می دهد هم سویی دارد. با نظریه دانیل لرنر که معتقد است شهر به منزله توسعه اجتماعی مطرح می شود و به ساکنین خود بینش های فرهنگی جدیدی را عرضه می کند، نیز هم سویی دارد. با نظریه دانیل لرنر که رشد مراکز شهری جدید را به عنوان عامل ترقی و تقویت کننده احساس فرد گرایی می داند و با نظریه وبر که معتقد است شهر مرکز توسعه فرد گرایی است نیز هم سویی دارد لذا پشتوانه های نظری موجود شهرنشینی را عاملی قوی در رشد فرد گرایی می داند و نتایج حاصل نیز نشان می دهد که دانشجویان ساکن شهر فرد گراتر از دانشجویان ساکن روستا می باشند.

بین رشته تحصیلی و فرد گرایی رابطه معناداری وجود دارد (فرضیه سوم). به طوری که در رشته های تحصیلی غیر الهیات، میزان فرد گرایی بسیار به هم نزدیک است و تفاوت معناداری باهم ندارند و میزان فرد گرایی بیشتر از رشته الهیات می باشد. در حالی که در رشته الهیات که بیشتر مطالب دینی تدریس می شود و

دین اسلام هم یک دین جمع گرایانه است و آموزه های جمعی را آموزش می دهد لذا فردگرایی کمتر است و این نتیجه مورد انتظار می باشد. در واقع می توان گفت دانشجویان رشته الهیات از طریق متون درسی بیشتر با فرهنگ اسلام جامعه پذیر شده اند و نیز افراد مذهبی تر وارد این رشته می شوند لذا فردگرایی کمتر نتیجه جامعه پذیری دینی آنان در دانشگاه و قبل از آن است.

هر چه تعداد نقش های افراد در مجموعه نقش بیشتر باشد فرد گرایی آنان افزایش می یابد (فرضیه چهارم). این نتیجه با نظریات مید و مرتن که معتقد بودند افزایش تعدد نقش ها در مجموعه نقشی سبب افزایش فردگرایی می شود، هم سویی دارد.

هر چه شبکه روابط اجتماعی افراد گسترده تر باشد میزان فردگرایی افراد بیشتر است (فرضیه پنجم). این نتیجه با نظر هابرماس که معتقد است شبکه روابط اجتماعی و تعامل با دیگران در یک ساختار به هم مرتبط اجتماعی باعث استقلال افراد می شود و نیز داشتن تیپ های اجتماعی و نقش های متعدد با افزایش فردگرایی زیاد همراه است و نیز با نظریه زیمل که می گوید انشعاب تعلق گروهی و عضویت در گروه های متعدد سبب می شود افراد از ادراک رهایی آگاه شوند، هم سویی دارد.

هر چه میزان خلوت شخصی افراد بیشتر باشد فردگرایی آن ها نیز بیشتر است (فرضیه ششم). این نتیجه را می توان با نظریات آلتمن، وستن، شیوتانی و کوک که تأثیر خلوت شخصی را بر فردگرایی مهم و مثبت دانسته اند تحلیل کرد. خلوت شخصی دانشجویان به دو گونه ذهنی و مکانی سنجش شد. زمانی که دانشجویان مکانیسم هایی برای تنظیم خلوت خود، از جمله داشتن اتاق خصوصی و مکانی برای خلوت کردن داشته اند یعنی آن گونه که آلتمن می گوید توانسته اند تماس های اجتماعی شان را در سطح مطلوبی نگه دارند و صمیمیتی را بدون مزاحمت دیگران ایجاد و استقلال کسب کنند، فردگرایی شان افزایش داشته است.

هر چه میزان سنت گرایی افراد بیشتر باشد میزان فردگرایی آن ها کمتر است (فرضیه هفتم). این نتیجه با نظریات رایسمن در مورد جوامع ماقبل صنعتی و جوامع در حال گذار ارتباط دارد. رایسمن جامعه ماقبل صنعتی را مبتنی بر سنت می داند و وجود خانواده گسترده را مانع فردگرایی افراد می داند. با پیش رفت جوامع و صنعتی شدن جوامع شکل خانواده تغییر می کند و افراد دیگر تحت تأثیر سنت ها نیستند و تحرک جغرافیایی صورت گرفته است. در این جوامع، موقعیت های جدید و تازه زیادی به وجود آمده اند، موقعیت هایی که یک راه و رسم و یک سنت، نمی تواند آن را دربرگیرد و به پیش برد در نتیجه مسأله انتخاب فردی مطرح می شود. در واقع

مصادق نظریات رایسمن را در میزان فردگرایی دانشجویان شاهد هستیم، دانشجویانی که سنت گرایی کمتری دارند فردگرایی بیشتری نشان می دهند، دانشجویان در خانواده های گسترده زندگی نمی کنند و نقش هایی چون والدینشان ندارند و از آنجا که جامعه ما به سمت جامعه جدید و صنعتی پیش می رود و تخصص ها و نقش ها هم افزایش می یابد انتظار فردگرایی بیشتری از افراد داریم. طبق نظریات رایسمن نقش های جدید به آموزش نیاز دارد لذا تحصیلات رسمی، کسب مهارت، به دست آوردن استقلال و فردگرایی را به همراه دارد. بنابراین دانشجویان با ورود به دانشگاه کم کم وارد جامعه بزرگ تر شده و می خواهند استقلال نسبی کسب کنند و خود انتخاب کننده و تصمیم گیرنده باشند در حالی که تاکنون بیشتر تحت تأثیر خانواده بوده اند، لذا در دانشگاه خودمختاری شان بیشتر می شود و به فردیت و خصوصیات فردی آن ها توجه بیشتری می شود در نتیجه سنت گرایی کمتری انتظار می رود.

در نهایت، نحوه تأثیر عوامل مختلف بر فرد گرایی را می توان به شرح ذیل خلاصه کرد: خلوت شخصی، سنت گرایی و مجموعه نقش افراد از میان عوامل مختلف بیشترین تأثیر را نسبت به سایر عوامل بر فرد گرایی داشتند. از این میان خلوت شخصی، و مجموعه نقش همبستگی مثبت و مستقیمی را بر فرد گرایی داشتند و سنت گرایی همبستگی منفی با فرد گرایی، داشت. متغیر هایی چون محل سکونت (شهرنشینی) و جنسیت (مرد بودن) هم رابطه معناداری داشتند و سبب افزایش فرد گرایی شدند. خلوت شخصی بیشترین درصد تغییرات فرد گرایی را توضیح داد. متغیر هایی که در رگرسیون چند گانه معنادار شدند به طور مستقیم ۰/۵۰٪ از تغییرات فرد گرایی را توضیح دادند. با توجه به این درصد می توان گفت متغیر های مستقل دیگری هم وجود دارند که در این تحقیق لحاظ نشده اند و امیدواریم که در تحقیقات آتی مد نظر قرار گیرند.

نتایج تحلیل عاملی نشان می دهد که ابعاد به دست آمده در مفهوم فرد گرایی در این تحقیق با دیدگاه اینگلهارت، هافستد، تریاندیس و کامپگن که بر بُعد استقلال تأکید داشتند و با دیدگاه مارشال، ویلیامز، اینگلهارت، تریاندیس، لالند که بر اهداف و خواسته های شخصی تأکید داشتند هم سویی دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده، اگر دانشجویان از خلوت ذهنی و عملی بهره مند شوند بیشتر به خود توجه خواهند نمود و فردیت و استقلال خود را پرورش خواهند داد. لذا داشتن مکانی مستقل از دیگران به صورت داشتن اتاق خصوصی باعث خواهد شد تماس های اجتماعی شان را در سطح مطلوبی نگه دارند. نکته قابل توجه دیگر اینکه، با وجود آنکه دانشجویان میزان تعدد نقش کمی داشتند (اغلب آن ها مجرد، اغلب بدون



فرزند، و اغلب بدون شغل بودند) اما با این حال این عامل در افزایش فردگرایی آنان تأثیر گذار بود لذا می توان پیش بینی نمود که پس از طی کردن دوران دانشجویی در صورت پذیرش نقش های بیشتر (از جمله ازدواج، شاغل شدن، یا سایر نقش های اجتماعی دیگر) و افزایش مسئولیت و تعهد برای انجام نقش های بیشتر، فردگرایی آنان در سطح عمومی جامعه افزایش خواهد یافت.

### فهرست منابع

- احمدی، فرشته (۱۳۸۳): «فردیت سنگ بنای دموکراسی است»، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره سوم، سال هفتم، شماره هفتم.
- از کیا، مصطفی (۱۳۸۱): جامعه شناسی توسعه، تهران، کلمه.
- آلمن، اروین (۱۳۸۲): محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- تریاندیس، هری (۱۳۷۸): فرهنگ و رفتارهای اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران، نشر رسانش.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۰): نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۶): جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳): «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی»، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۲، دوره پنجم، ۳-۳۱.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳): درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، مرکز.
- ریترز، جرج (۱۳۸۰): نظریه های جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران.
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۳): «چالش های دانش و رسالت دانشگاه در دوره ما»، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره سوم، شماره هفتم، صص ۳۴-۳۵.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱): بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر فردی، مجموعه مقالات نخستین همایش، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- فورگاس، جوزف پی (۱۳۷۳): روان شناسی تعامل اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی، تهران، ابجد.
- کوزر، لوئیز (۱۳۷۹): بزرگان جامعه شناسی کلاسیک، ترجمه محسن ثلاثی، تهران.
- کوزر، لوئیز و روزنبرگ (۱۳۸۴): نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۴): اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- وبر، ماکس (۱۳۸۱): شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا (منصوره) کاویانی، تهران، شرکت سهامی.
- ویستر، فرانک (۱۳۸۰): نظریه های جامعه اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران، قاصد سرا.

و ثوقی، منصور و دیگران (۱۳۸۴): «فردگرایی و جمع‌گرایی ایرانیان از دید سیاحان خارجی»، فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۲، دوره اول.

- Aboulafia, Mitchell. (1996): "HABERMAS AND MEAD: ON UNIVERSALITY, AND INDIVIDUALITY", Basial Blackwell Ltd, published by Blackwell publisher.
- Cooke, Maeve. (1999) : A space of one's own : autonomy , privacy , liberty , philosophy 8 social CRITICISM. Vol 25 nol. pp 23 – 53.
- Coser, Rose Laub. (1975) : “ The complexity of Roles as a Seedbox of Individual autonomy. ”pp. 237-63 in The Idea of Social Structure : Papers in Honor of Robert K. merton , edited by L.A. Coser. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Marshall, Gordon. (1998): Oxford Dictionary of sociology, Oxford University Press.
- Riesman, David (1956), "The Lonely Crowd, study of the changing American character", with Nathan Glazer and Reuel Denney, Double day & Company INC., GARDEN CITY, New York.
- Sumner , Colin. (1994): The Sociology of Deviance : An Obituary. New York : continuum.
- Sztompka, Piotr. (1986): Robert K. Merton: An intellectual profile. New York: StMartin
- Thamson , Elizabeth . ( 2001 ) : " Motherhood, fatherhood , and family values " , center of Demography and Ecology , university of Wisconsin – Madison.
- Triandis & Gelfand. ( 2004 ) : Human Resource Management, Journal, Vol , pages 25-39.
- Triandis, H. C. Mc Cusker , C., & Hui , C. H. (1990): Multimethod probes of Individualism and Collectivism, **Journal of personality and social psychology**, 59, 1006 – 1020.
- Williams, Raymond .(1988): Key Words a Vocabulary of Culture and Society, London: Fontana Press.

### مشخصات نویسندگان

دکتر حسین بهروان، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، عضو مرکز مطالعات اجتماعی خراسان رضوی می باشد.

behavan @ ferdowsi. ac. ir

نشانی الکترونیکی

اعظم علیزاده، دارای مدرک کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی می باشد.

Email : azam.alizadeh@yahoo.com